

بررسی اثر محرک‌های (مشوق‌های) مالیاتی با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی «کنکاش تجربه کانادا»

ایرج اصغری

مریی حسابداری دانشگاه خلیج فارس بوشهر

چکیده

سرمایه‌گذاران خارجی با توان مالی و تکنولوژیکی خود نقش مهمی در توسعه صنایع در کشورهای سرمایه‌پذیر دارند. امروزه رقابت بین کشورهای سرمایه‌پذیر در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی، افزایش یافته است از این رو کشورهای سرمایه‌پذیر برای تشویق سرمایه‌گذاران خارجی محرک‌های مختلفی از جمله معافیت‌های مالیاتی را به آنان پیشنهاد می‌کنند. حدود 40 سال است که کشور کانادا استخراج نفت از ماسه‌های نفتی خود را آغاز کرده است. فرایند استخراج نفت از ماسه‌های نفتی، فرایندی دشوار، هزینه‌بر و نیازمند تکنولوژی پیشرفته است. کانادا در ابتدای امر (دهه 70 میلادی) برای توسعه این صنعت نیازمند کمک سرمایه‌گذاران خارجی بود. برای تشویق سرمایه‌گذاران خارجی به فعالیت در پروژه‌های پُر-ریسک ماسه‌های نفتی، این کشور از چندین محرک مالیاتی استفاده کرد. در این مقاله تجربه کانادا در طی سه دهه 70 تا 90 مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته و تلاش شده است بر اساس تجربه این کشور اثربخشی محرک‌های مالیاتی در افزایش سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد محرک‌های مالیاتی احتمالاً در زمینه‌هایی مانند جبران هزینه‌های اجرایی، کم کردن از هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه و در نتیجه تداوم همکاری با سرمایه‌گذاران خارجی مؤثر هستند. در تصمیم‌گیری اولیه در مورد اقدام به سرمایه‌گذاری در کشورها دلایل دیگری مانند اطمینان قانونی و ثبات سیاسی مهم‌تر هستند.

واژگان کلیدی:

محرك‌های (مشوق‌های) مالیاتی، ماسه‌های نفتی، سرمایه‌گذاری خارجی، کانادا

مقدمه:

الف: نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی

کشورهای دارای منابع غنی نفتی اصولاً کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که منابع مالی و تکنولوژیک کافی برای استخراج منابع نفتی خود را ندارند. شرکت‌های نفتی بزرگ که عموماً در کشورهایی مانند آمریکا، فرانسه و .. قرار دارند، دارای نیرو، بنیه مالی و تخصص‌های لازم برای استخراج نفت هستند. به همین دلیل کشورهای دارنده نفت دست‌همکاری به سوی شرکت‌های نفتی دراز کرده و تلاش می‌کنند با این شرکت‌ها همکاری کنند. به عنوان مثال قزاقستان که در گروه 10 کشور برتر ذخایر نفت و گاز قرار دارد بدون استفاده از سرمایه‌های خارجی توان بهره‌برداری از منابع خود را ندارد [12]

سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز، معمولاً به دو صورت «سرمایه‌گذاری در پرتفوی سهام پروژه‌ها» و یا «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» صورت می‌گیرد. آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که به معنای سرمایه‌گذاری در کشور سرمایه‌پذیر شامل ایجاد کسب و کار جدید و انتقال سرمایه جهت حمایت از آن است. این نوع از سرمایه‌گذاری از مشارکت سرمایه‌گذاران در پرتفوی سرمایه‌گذاری پروژه‌های نفتی، فعال‌تر است چرا که در الگوی «سرمایه‌گذاری در پرتفوی سهام پروژه‌ها»، سرمایه‌گذاران تنها با ارائه سرمایه به کشور سرمایه‌پذیر کمک می‌کنند، در حالی که در الگوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سرمایه‌گذاران تخصص، تکنولوژی و سایر موارد لازم را نیز تامین می‌کنند. [7] امروزه رقابت شدید کشورها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی باعث شده است، کشورهای دارای منابع انرژی، پیشنهادات بسیار جالب توجهی

۱ portfolio investment and foreign direct investment (FDI)

به سرمایه‌گذاران خارجی ارائه کنند. فاکتورهای متعددی چون پتانسیل جغرافیایی، وضعیت سیاسی، ساختار قانونی و ... در اتخاذ تصمیم به سرمایه‌گذاری، توسط سرمایه‌گذاران مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. ترکیب شدن عواملی چون میل به حداکثر سازی سود با توجه به ریسک محتمله، بازار آماده نفت، وجود رقابت شدید در جذب سرمایه‌گذاران خارجی و فرایند پر هزینه استخراج نفت و گاز باعث شده است سرمایه‌گذاران علاوه بر فاکتور اصلی «وجود منابع کافی در کشور سرمایه‌پذیر» سایر ویژگی‌های کشورهای سرمایه‌پذیر را نیز مدنظر قرار دهند. به هر حال در یک طبقه‌بندی کلی امنیت قانونی^۲، وضعیت سیاسی^۳، و ساز و کارهای مالی^۴ به عنوان عواملی که سرمایه‌گذاری خارجی را تحت تاثیر قرار می‌دهند مطرح می‌شوند [3]

امنیت قانونی

امنیت قانونی به معنای وجود قوانین و مقررات صریح و مناسبی است که دارای دو ویژگی باشند. اولاً قوانین و مقررات مزبور بایستی ثبات داشته و ثانیاً توسط افراد و نهادها رعایت شوند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه از فقدان امنیت قانونی رنج می‌برند و این مسئله سرمایه‌گذاری خارجی در آن کشورها را تهدید می‌کند چرا که در این گونه اوضاع و احوال حقوقی، سرمایه‌گذاران از این بیم دارند که کسب و کار آن‌ها حمایت قانونی کافی جهت حفظ دارایی‌های خود را نداشته باشد. برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی اعتبار نهادهای حقوقی در جامعه فاکتور بسیار با اهمیتی است [2]

شرایط سیاسی

دومین عامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی شرایط سیاسی کشور است. شرایط سیاسی به سیاست‌ها و روندهای دولت سرمایه‌پذیر نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی و ثبات

۲ legal certainty

۳ political situation

۴ fiscal regime

سیاسی کشور اشاره دارد. در صنایع نفت و گاز برای کاهش ریسک از تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی استفاده می‌شود. برخی نیز ریسک سیاسی را مواجهه با فعالیت‌های بالقوه یک دولت که ارزش سرمایه‌گذاری را تهدید می‌کند نامیده‌اند. ریسک سیاسی همچنین عمل گروه‌های خاص اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.[24]

یک مثال ملموس در مورد ریسک سیاسی سلب مالکیت و ملی‌گرایی است. نمونه این مورد، سلب مالکیت دارایی‌های هلند در سال 1957 توسط اندونزی است.

سازوکارهای مالی (مسائل اقتصادی)

فاکتور مؤثر دیگر بر سرمایه‌گذاری خارجی سازوکارهای مالی موجود در یک کشور است. به‌خاطر وجود رقابت شدید در جذب سرمایه‌گذاران خارجی، کشورهای سرمایه‌پذیر مجبور شده‌اند ساز و کارهای (سیاست‌های) «مالی‌ای» را به سرمایه‌گذاران پیشنهاد کنند که برای آن‌ها جذاب باشد. در صنعت نفت برای تشویق سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های شناسایی و اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی، مشوق‌های مالیاتی به عنوان یک روش پرطرفدار شناخته شده است.[19]

محرک‌های مالیاتی که به آن‌ها محرک‌های فیزیکی نیز می‌گویند سیاست‌هایی (سازوکارهایی) هستند که با هدف برداشتن سدهای مالیاتی از پیش روی سرمایه‌گذاران طراحی و اجرا می‌شوند. دریای شمال یکی از نمونه‌هایی است که در آن مشوق‌های مالیاتی در قالب نرخهای مالیاتی پایین، مؤثر واقع شد.[9]

ب: ریسک سرمایه‌گذاری در صنعت سوخت

خطرات مربوط به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به خصوص در اوایل اکتشاف، بسیار زیاد است. هیچ تضمینی وجود ندارد که سرمایه‌گذاری عظیم اولیه در نهایت درآمدزا باشد. هر آن احتمال دارد یک پروژه به صورت نیمه تمام رها شود چرا که اکتشافات بعدی نشان می‌دهند مقدار اقتصادی مقرون به صرفه نفت وجود ندارد[28] اینجاست که مقدار زیادی از سرمایه اولیه از دست رفته است.

در بحث در مورد تصمیمات سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفت و گاز، باید بین شرکت

ملی نفت (NOC) و شرکت نفتی بین المللی (IOC) تمایز قایل شد. [21]. تعهدات شرکت های ملی نفت فراتر از ایجاد حداکثر بازده برای سهامداران آنها است. آن ها تا حد زیادی متعهد به تامین منابع نفتی مورد نیاز برای دولت خود بوده و در تصمیم گیری های خود ملاحظات دولت خود را نیز مدنظر قرار می دهند برای آن ها هدف، دست یافتن به ذخایر نفتی است حتی اگر دیگر عوامل سرمایه گذاری جذاب نباشند. هدف نهایی شرکت نفتی بین المللی دست یابی به حداکثر سود است. [21] به منظور به دست آوردن حداکثر سود، آن ها هرگونه خطر در مورد سرمایه گذاری را مدنظر قرار می دهند. شناخت تفاوت بین شرکت های نفتی داخلی (NOC) و IOC ها نشان می دهد که سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت یک بحث گسترده و پیچیده است و جنبه های بسیاری از جمله عوامل عمومی مؤثر بر سرمایه گذاری خارجی از قبیل اطمینان قانونی، وضعیت سیاسی و سیستم های مالی و همچنین شرایط بین المللی از جمله قیمت جهانی نفت، امنیت انرژی ملی، مفهوم وابستگی به نفت خارجی و مقررات زیست محیطی و ... را در بر می گیرد.

ج: سیستم های مالیاتی در صنعت سوخت

به طور کلی، سازو کارهای مالیاتی در رابطه با نفت در جهان به دو دسته تقسیم می شوند «سازو کارهای مالکانه» و «سازو کارهای قراردادی».⁵ [11] تفاوت بین «سیستم های مبتنی بر مالکیت» و «سیستم های مبتنی بر قرارداد» در مالکیت منابع طبیعی استوار است. کانادا عمدتاً تحت مدل «سیستم های مبتنی بر مالکیت»، و اندونزی تحت مدل قراردادی عمل می کنند. در خالص ترین سیستم های قراردادی هرگونه امکانات که توسط پیمانکار در قلمرو کشور میزبان ساخته شده است در نهایت به اموال دولت تبدیل می شود. میزان درآمدهای مالیاتی بین این دو سازو کار به میزان زیادی متفاوت است.

د: ماهیت مالیات در صنعت سوخت

۵ concessionary and contractual

مالیات در صنایع استخراجی، به ویژه صنعت نفت ریشه در مفهوم اجاره اقتصادی^۶ دارد لذا درک مفهوم اجاره اقتصادی در مالیات بندی بر صنایع سوختی حیاتی است. مفهوم اجاره اقتصادی ناشی از مالکیت دولت میزبان بر منابع طبیعی خود است. به این معنی که در هر حال دولت ها مالکان منابع هستند و تلاش می کنند بدون در نظر گرفتن قوانین مالکیت منابعی، که دنبال می کنند حداکثر اجاره اقتصادی را بدست آورند [11] یکی از راه های ممکن در این مورد مالیات بندی یا اخذ مالیات از نهادهای درگیر است. اقتصاددانان از قرن هجدهم به تعریف مفهوم اجاره اقتصادی پرداخته اند، تعاریف مبهم و ضد و نقیضی در این مورد وجود دارد. یک تعریف از اجاره اقتصادی، تفاوت بین ارزش تولید و هزینه استخراج است. این تعریف از اجاره اقتصادی در مورد نفت کاربرد دارد. تفاوت بین ارزش نفت تولید شده و هزینه های تولید آن را می توان اجاره اقتصادی نامید. [11]

امروزه استفاده از سیستم های پرداخت مالیات با هدف دیگری نیز انجام می شود و آن نفوذ در تصمیمات سرمایه گذاران است. در حال حاضر، دولت ها تنها به دریافت اجاره بیشتر، از منابع خود اهمیت نمی دهند و تلاش می کنند با توجه به رقابت بسیار زیاد بین کشورهای خواهان سرمایه گذاری خارجی، از این سیستم به عنوان عاملی جهت جذب سرمایه های خارجی استفاده کنند.

و: انواع محرک های مالیاتی مورد استفاده

با وجود این حقیقت که هنوز هم عدم قطعیت هایی در مورد مفید بودن مشوق های مالیاتی در جذب سرمایه گذاری خارجی وجود دارد [به بیان مساله مراجعه کنید] هنوز هم کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه این ابزار را مورد استفاده قرار می دهند. شیوه های ارائه شده توسط دولت میزبان در این مورد شامل معافیت های مالیاتی^۷،

۶ economic rent

۷ tax holidays

کسورات مالیاتی^۸، نرخ مالیات بر درآمد پایی^۹، بازپرداخت مالیاتی^{۱۰}، معافیت‌های سرمایه‌گذاری^{۱۱}، مجاز شناختن روش‌های استهلاک شتابدار^{۱۲}، و ارائه یارانه برای توسعه زمین و ساختمان کارخانه با هدف کاستن از هزینه‌های سرمایه‌گذاری است^{۱۳}. استفاده از یک یا ترکیبی از این موارد کاملاً در اختیار کشور ارائه‌کننده آن است.

بیان مساله

در مورد اثر بخشی مشوق‌های مالیاتی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی بحث‌های زیادی صورت گرفته است طرفداران استفاده از مشوق‌های مالیاتی ادعا می‌کنند مشوق‌ها مقرون به صرفه هستند. آن‌ها مدعی هستند که اگر شرکت‌های خارجی در کشور سرمایه‌گذاری نکنند در آمدی نیز وجود نخواهد داشت. پس اگر مشوق‌های مالیاتی را با شرایطی که در صورت عدم استفاده از آن‌ها به وجود می‌آید مقایسه کنیم [منظور توسعه نیافتگی، توسعه کند و درآمدهای کم است] استفاده از این محرک‌ها بسیار مقرون به صرفه خواهد بود. [25]. یکی دیگر از دلایل استفاده از مشوق‌های مالیاتی حفظ توان رقابت با کشورهای دیگری است که آن‌ها نیز به ارائه مشوق‌های مشابه می‌پردازند. [25]

مخالفان استفاده از مشوق‌های مالیاتی بر این باورند که در تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری در یک کشور خاص، شرکت‌های بین‌المللی نفتی عوامل تجاری دیگری، مانند اطمینان قانونی، وضعیت سیاسی، فضای امنیتی و البته مشوق‌های غیرمالیاتی را، به مراتب مهم‌تر از مشوق‌های مالیاتی می‌دانند. [27 و 16 و 15]

۸ A deduction in income taxes

۹ low income tax rates

۱۰ tax refunds

۱۱ investment allowance

۱۲ Adoption of accelerated depreciation,

۱۳ subsidies on factory buildings and land development, in order to reduce investment costs.

با توجه به وجود بحث‌های ضدو نقیض در این مورد به نظر می‌رسد یکی از راه‌های مفید برای نتیجه‌گیری، کنکاش در تجربیات سایر کشورهایی باشد که از این محرک‌ها استفاده کرده‌اند. نتایج عملی که سایر کشورها در این مورد به دست آورده‌اند می‌تواند راهنمایی‌های ارزنده‌ای در مورد حد و حدود استفاده از محرک‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی ارائه کند.

قریب 4 دهه از آغاز فعالیت‌های کانادا در مورد بهره‌برداری از ماسه‌های نفتی می‌گذرد. در تجزیه و تحلیل اهمیت استفاده از مشوق‌های مالیاتی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، این مقاله توسعه صنعت ماسه‌های نفتی کانادا را مورد بررسی قرار می‌دهد و تلاش می‌کند با هدف تعیین مفید بودن محرک‌های مالیاتی در جذب سرمایه‌های خارجی، نتایجی را که کانادا در اجرای این طرح به آن دست یافته است، تحلیل کند.

این مقاله به شرح زیر ادامه می‌یابد در ابتدا تحقیقات مشابه انجام شده بررسی می‌شوند. سپس در مورد ماسه‌های نفتی، نظام مالیاتی و محرک‌های ارائه شده توسط دولت کانادا در هر یک از دهه‌های 70 تا 90 به تفکیک توضیحاتی ارائه می‌شود. در بخش بعد به تحلیل این موارد پرداخته شده و در نهایت نتیجه‌گیری نهایی ارائه می‌شود.

مروری بر تحقیقات مشابه

ولز و آلن [27] طی پژوهشی بیان کردند در اندونزی، مشوق‌های مالیاتی صورت گرفته به منظور جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، موفق به ارائه سود خالص به این کشور نشده‌اند. آن‌ها ادامه دادند هزینه خالص استفاده از مشوق‌های مالیاتی بیشتر از درآمد اضافی آن بوده است. تحقیقات قبل‌تر نیز شامل چانگ وون و همکاران [16]، موریست و پرینا [15] ساندر من و هزرسلف [23] نشان داده است رابطه معناداری بین مشوق‌های مالیاتی و جذب سرمایه‌های خارجی وجود ندارد.

مشابه با پژوهش ولز و آلن، آهرانی اعلام کرد در حالی که بر اساس نظرات سرمایه‌گذاران، مشوق‌های مالیاتی اثر زیادی بر سرمایه‌گذاری ندارد مقامات دولتی معتقدند

مشوق های مالیاتی در جذب سرمایه های خارجی مؤثر هستند [1]. تحقیق دیگری که با هدف تعیین اثر بخشی محرک های مالیاتی بر روی جذب سرمایه های خارجی انجام شد تحقیق فینا است [22]. وی صنعت نفت اندونزی و دریای شمال [متعلق به انگلستان] را مورد بررسی قرار داد و متوجه شد که، در مورد دریای شمال، حذف حق امتیازها در جذب سرمایه گذاری خارجی مؤثر بوده است. با این حال، در مورد اندونزی وی به این نتیجه رسید که حتی با وجود سیستم مالیاتی غیرجذاب، سرمایه گذاران هنوز هم مشتاق به سرمایه گذاری در این کشور هستند.

روش انجام کار

پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی است به طوری که با بررسی منابع اطلاعاتی موجود در مورد نظام مالیاتی، صنعت نفت، صنعت ماسه های نفتی، محرک های مالیاتی ارائه شده به سرمایه گذاران در پروژه های ماسه های نفتی کانادا و تحلیل اطلاعات به دست آمده، در مورد مفید بودن محرک های مالیاتی در جذب سرمایه های خارجی نتیجه گیری می کند. تلاش های کانادا در زمینه بهره برداری از ماسه های نفتی به سه دوره مشخص 10 ساله تقسیم بندی شده است. دلیل این امر، اتفاقات سیاسی و اقتصادی خاصی است که در هر یک از این دهه ها در کانادا به وقوع پیوسته و جریان سرمایه گذاری را تحت تاثیر قرار داده است.

کنکاش در صنعت ماسه های نفتی کانادا

الف: کلیات توسعه ماسه های نفتی کانادا

با 9,984,470 کیلومتر مربع کانادا دومین کشور بزرگ دنیا تلقی می شود. این کشور از لحاظ منابع نفتی، ذغال، الماس، چوب، اورانیوم، نفت و گاز و ... غنی است. ماسه های نفتی نیز یکی از این منابع غنی کانی هستند. در مقایسه با نفت مرسوم، توسعه ماسه های نفتی احتیاج به فرآیند پیچیده تر، تکنولوژی بالاتر و متخصصین بهتر دارد. در حالی که سایر کشورهای تولیدکننده نفت، تنها بر روی منابع سنتی نفتی خود تمرکز کرده اند. کانادا بخاطر داشتن و تلاش برای بهره برداری از ماسه های نفتی خود مشهور شده است. سرمایه -

گذاری در ماسه‌های نفتی یا قیری، در ابتدا (دهه 70) جزو سرمایه‌گذاری‌های دارای ریسک بسیار بالا تلقی می‌شد. امروزه دیگر این چنین نیست چرا که پیشرفت‌های تکنولوژیکی اخیر، مرزهای عملیاتی جداسازی نفت از ماسه‌های نفتی را مشخص کرده است و مقالات متعددی نیز درباره چگونگی موفقیت کانادا در این زمینه به چاپ رسیده است. [17]

بزرگترین ذخایر ماسه‌های نفتی کانادا در ایالت البرتا وجود دارد. ذخایر فعلی اثبات شده این منطقه 170.4 میلیون بشکه است. در سال 2006 ذخایر آلبرتا 175 میلیون بشکه بود که این باعث شده بود کانادا را بعد از عربستان در رده دوم کشورهای نفت خیز جهان قرار دهند. [4] امروزه با توجه به این میزان ذخیره و موارد مطرح شده فوق دعوت از شرکت‌های بزرگ نفتی برای کانادا ساده است. اما در ابتدا این گونه نبود. با داشتن ذخیره نفتی زیاد، دولت کانادا تلاش کرد تا شرکت‌های نفتی را به مشارکت در پروژه‌های نفتی در کشورش تشویق کند. به علت مشکلات موجود، بسیاری از این تلاش‌ها ناکام ماند. یکی از اصلی‌ترین این مشکلات هزینه‌های راه‌اندازی اولیه و توسعه پروژه‌ها بود. به هر حال دولت کانادا برای تشویق شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها مشوق‌های مالیاتی خاص را برای کاهش هزینه‌های توسعه به آنها پیشنهاد داد که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

ب: چهارچوب مالیاتی در کانادا

قانون مالیات بر درآمد کانادا^{۱۴} از 2 دسته مقررات مالیاتی تشکیل شده است. [14] دسته اول قوانین مالیات عمومی است که به تمامی بخش‌های اقتصاد تسری می‌یابد و در مورد آنها قابل اعمال است و دسته دوم قوانین خاصی است که تنها به بخش‌های خاصی از اقتصاد مربوط می‌شود. مقررات مالیاتی بخش‌های انرژی در این کشور پیچیده بوده چرا که علاوه بر الزامات قانون مالیات بر درآمد کانادا (دولت فدرال)، قوانین ایالتی (دولت محلی

۱۴ LAT

آلبرتا) نیز در مورد آنها وجود دارد. دولت فدرال می‌تواند هر دو صورت مالیات مستقیم و غیرمستقیم را اعمال کند. در حالی که دولت محلی تنها می‌تواند به قانون‌گذاری در مورد مالیات‌های مستقیم اقدام کند. همانطور که قبلاً هم ذکر شد جذاب بودن سرمایه‌گذاری در تولید نفت در یک کشور بستگی به اطمینان حقوقی (شامل وجود الزامات قانونی، میزان پابندی به آن‌ها و...)، ریسک سیاسی و شرایط اقتصادی (قیمت و هزینه‌های عملیاتی) دارد. مشوق‌های مالیاتی به عنوان بخشی از شرایط (فرصت)‌های اقتصادی مطرح می‌شود. شرایط (فرصت‌های) اقتصادی در صنعت نفت تابع دو عامل 1- قیمت نفت 2- هزینه‌های عملیاتی آن است. قیمت نفت در بازار جهانی بسیار متغیر است. در حالی که هزینه‌های عملیاتی قابل پیش‌بینی و کنترل هستند. در مورد ماسه‌های نفتی که هزینه‌های عملیاتی مخصوصاً در مراحل اول در مقایسه با نفت معمولی بسیار بالاتر ارزیابی می‌شوند. دولت کانادا و دولت محلی آلبرتا برای جبران هزینه‌های بالای طرح‌های سرمایه‌گذاری، مشوق‌های مالیاتی زیر را به سرمایه‌گذاران پیشنهاد کردند.

ج: محرک‌های مالیاتی ارائه شده توسط دولت کانادا به سرمایه‌گذاران خارجی

ج-1: اقدامات دولت فدرال در دهه 70 میلادی

- استهلاك دارایی‌های ثابت مشهود^{۱۵}

تغییر فرمول محاسبه استهلاك دارایی‌های ثابت مشهود یکی از ابزارهایی بود که دولت برای جلب نظر سرمایه‌گذاران از آن استفاده کرد. در واقع دولت کانادا به شرکت‌های سرمایه‌گذاری‌کننده در ماسه‌های نفتی این اجازه را داد تا دارایی‌های سرمایه‌ای خود را با نرخهای بالایی مستهلك کرده و در آمد مشمول مالیات خود را کاهش دهند. بر اساس قانون مالیات‌های کانادا نرخ استهلاك تجهیزات مربوط به ماسه‌های نفتی در برخی موارد حتی تا «نزولی 30 درصد» نیز می‌رسید که این معافیت مالیاتی مناسبی را نصیب سرمایه‌گذاران می‌کرد.

^{۱۵} Capital cost allowance

• امکان سرمایه ای کردن برخی از هزینه ها^{۱۶}

در دهه 70 قیمت نفت افزایش یافت و به همین دلیل دولت محلی آلبرتا حق الامتیاز و مالیات خود را افزایش داد. مبالغ پرداختی توسط شرکت های نفتی به دولت های ایالتی در آن زمان در هنگام محاسبه در آمد مشمول مالیات دولت فدرال جزو هزینه های قابل قبول مالیاتی تلقی می شد. این افزایش مالیات توسط دولت استانی آنقدر زیاد بود که باعث کاهش در آمد مالیاتی دولت فدرال شد. برای حل این مشکل و با هدف محترم دانستن حقوق دولت محلی و جلوگیری از کاهش در آمد مالیاتی دولت فدرال، قرار شد این پرداخت ها ذخیره شده و سالانه معادل 25 درصد سود به هزینه منظور شود و قابل قبول مالیاتی نیز باشد.

• مستهلك کردن سالانه هزینه های تحقیق و توسعه

دولت کانادا با هدف کمک به سرمایه گذاران خارجی این هزینه ها را با نرخ استهلاك بالا (30 درصد مبلغ انباشته شده) به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی تلقی کرد. می دانیم که هزینه های تحقیق و توسعه در صنعت سوخت هزینه های عمده ای هستند و بایستی عموماً بعد از بهره برداری به طور سالانه مستهلك شوند. مگر اینکه مشخص شود که در آینده منفعی ندارند. این محرک مالیاتی به شرکت ها کمک کرد این هزینه ها را بسیار زودتر از موعد با نرخ مناسبی مستهلك کنند.

• هزینه تهی شدن تحقق یافته (هزینه استهلاك اضافی)^{۱۷}

در سال 1974 دولت کانادا در خصوص برخی دارایی های سرمایه ای خاص، اجازه داد شرکت ها علاوه بر استهلاك 30 درصدی ارائه شده در موارد اول بالا؛ استهلاك 30 درصدی دیگری را نیز با عنوان «هزینه تهی شدن تحقق یافته» از در آمد مشمول مالیات خود کسر کنند. این باعث شد در آمد مشمول مالیات شرکت ها به میزان بسیار زیادی

۱۶ Resource allowance

۱۷ Earned Depletion Allowance

کاهش یابد.

• مزایای مالیاتی خاص برای اعضای کنسرسیوم سینکروود

کنسرسیوم سینکروود یک مشارکت خاص بین 4 شرکت بزرگ نفتی آمریکایی در کانادا بود. این پروژه در سال 70 شروع شد. شروع این پروژه با بحث ها و مذاکرات زیادی همراه بود و در نهایت قرار شد تمامی مبالغ پرداختی توسط آن ها به استان ها جزو هزینه های قابل قبول مالیاتی تلقی شود.

ج-2: اقدام های دولت استانی در دهه 70 میلادی

• **پروژه Gcos**

یکی از پروژه های بزرگی که در آن سال ها در ایالت آلبرتا وجود داشت پروژه Gcos بود این پروژه در سالهای ابتدایی خود دارای زیان عملیاتی خالص بود. شرکت نفتی مسئول اجرای این پروژه از دولت آلبرتا تقاضای کمک کرد و دولت آلبرتا در پاسخ به این درخواست حق الامتیاز خود را کاهش داد.

ج-3: دهه 80 میلادی

در این دهه اتفاقات زیادی در صنعت نفت و گاز کانادا به وقوع پیوست بسیاری از این تغییرات به تغییر در نرخ های مالیات و حذف کسورات مالیاتی تعلق داشت. به عنوان مثال نرخ استهلاک دارایی های سرمایه ای از 30 به 25 درصد کاهش یافت و در سال 1987 هزینه «تهی شدن تحقق یافته» از لیست هزینه های قابل قبول مالیاتی حذف شد. با این وجود ویژگی اصلی این دوره مشاجرات سیاسی شدید بین دولت فدرال با دولت محلی آلبرتا و شرکت های نفتی بود که طی آن تمام صنعت نفت کانادا تحت الشعاع این موضوع قرار گرفت. به همین علت این دهه مانند دهه 70 و 90 تحلیل نشده است و بلعکس رویدادهای آن در یک سرفصل واحد ارائه شده اند.

در این دهه انگیزه های ملی گرایانه در دولت کانادا رشد پیدا کرد بر اساس آن دولت کانادا تلاش می کرد وابستگی های خود به دولت آمریکا را کم کند. دولت کانادا ابتدا طرحی را

با نام «برنامه انرژی ملی کانادا» (NEP)^{۱۸} اجرا کرد که هدف از آن اطمینان یافتن از عرضه داخلی انرژی در کانادا بود. [10] همچنین طرحی دیگر با نام برنامه «محرک‌های صنعت سوخت» (PIP)^{۱۹} نیز با هدف افزایش مالکیت کانادا در پروژه‌های نفتی معرفی و اجرا شد. اجرای این طرح‌ها که در آن‌ها مقررات سخت گیرانه‌ای در مورد سرمایه‌گذاران خارجی اعمال شده بود با واکنش شدید دولت‌های محلی و شرکت‌های نفتی مواجه شد به طوری که دولت آلبرتا در حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، تولید نفت خود را کم و بسیاری از پروژه‌های نفتی خود را تعطیل کرد. [8] این بحران‌ها ادامه داشت تا اینکه دولت فدرال و دولت محلی آلبرتا در نهایت تفاهم نامه‌ای را با هم امضا کردند و پیرو آن به علت محدودیت‌های ایجاد شده ناشی از کاربرد تفاهم نامه مزبور، در سال 1985 بسیاری از مواد موبوط به این طرح‌ها حذف شدند.

ج-4: محرک‌های مالیاتی در سطوح دولت فدرال در دهه 90

همانند دهه 80 در این دهه نیز تغییر در نرخهای مالیاتی و حذف برخی از کاهنده‌های مالیاتی مورد توجه قرار گرفت. مقررات مالیاتی در مورد استهلاکات در این دوره شفاف تر شد. [18] نرخ استهلاک برخی هزینه‌های تحقیق و توسعه [که در دهه 70 سی درصد بود] به 100 درصد رسید و همچنین در این دهه در ارتباط با استهلاک دارایی‌های بکار رفته در برخی پروژه‌ها نیز بخشودگی‌های مالیاتی خاصی اجرا شد.

ج-5: محرک‌های مالیاتی در سطوح استانی در دهه 90

• سیستم عمومی حق الامتیاز ماسه‌های نفتی

در دهه 90 اختلافات موجود بین دولت فدرال با دولت‌های محلی به پایان رسید و بعد از آن هیاتی با هدف تعیین استراتژی ماسه‌های نفتی توسط مسئولان آلبرتا تشکیل شد.^{۲۰} این کمیته پیشنهادات چندی با هدف بهبود وضعیت ماسه‌های نفتی ارائه کرد یکی از آن‌ها

۱۸ National Energy Program (NEP)

۱۹ Petroleum Incentives Program (PIP)

۲۰ National Task Force

این بود که بایستی برای تعیین میزان حق الامتیازها از فرایندی قانونی استفاده شود [بجای فرایند مبتنی بر چانه زنی خصوصی]. این فرایند قانونی بایستی عمومی و شفاف باشد تا باعث ایجاد اطمینانی قانونی شده و سرمایه گذاری خارجی را بهبود بخشد در این رویکرد در سالهای ابتدایی حق الامتیاز کمتری برای دولت قایل شده بودند. که این موضوع سرمایه گذاری در این پروژه ها را ترغیب می کرد. به هر حال احساس نیاز به وجود اطمینان حقوقی و ثبات قانونی دلیل ایجاد چنین قانونی شد و حمایت دولت فدرال هم از این قانون در ایجاد جو قانونی مناسب مؤثر بود.

• استهلاکات شتابدار استانی

با به رسمیت شناختن استهلاکات شتابدار در سال 99 مجدداً اهتمام دولت آلبرتا به توسعه میادین ماسه های نفتی نشان داده شد [5] گزارش خاصی در مورد اثربخشی این طرح بر روی سرمایه گذاری خارجی در دست نیست که این می تواند به علت تاثیر اندک این موضوع بر روی سرمایه گذاری خارجی در این منطقه باشد. پروژه های قبلی مربوط به ماسه های نفتی در آلبرتا نشان دهنده رابطه خوب این دولت با سرمایه گذاران است

جمع بندی و تحلیل تجربیات دولت کانادا در استفاده

از محرک های مالیاتی در صنعت ماسه های نفتی

1- دهه 70 میلادی

در اوایل دهه 70 مشخص شد که صنعت ماسه های نفتی از صنایع مهم کانادا است. تحریم نفتی کشورهای حمایت کننده از اسرائیل توسط اعراب و کنترل های اوپک باعث باعث افزایش قیمت نفت شد و قیمت نفت از 3 دلار در سال 72 به 10/5 دلار در سال 74 رسید. [6]. این مساله باعث شد تا آمریکا و سایر کشورها به فکر منابع جدید نفتی باشند. در سال 1963 شرکت sunoil آمریکا در پروژه Gcos حدود 250 میلیون دلار سرمایه گذاری کرد و قرار بود 45000 بشکه نفت در روز تولید کند که به علت پیچیدگی های تکنیکی تنها توانست 24000 بشکه در روز تولید کند. برای جلوگیری از ضرر و زیان

های وارده این شرکت با دولت محلی مذاکره کرد و در نهایت قرار شد حق الامتیاز مربوطه برای سه سال از 16 به 8 درصد کاهش یابد.

تجربه این پروژه نشان می‌دهد محرک‌های مالیاتی در این مورد به عنوان جبرانی برای ضرر و زیان‌های حین عملیات بکار رفته و باعث تداوم فعالیت شده است. با این وجود آنها در سرمایه‌گذاری اولیه افراد در طرح‌ها تاثیری نداشته‌اند چرا که آن‌ها زمانی در این پروژه سرمایه‌گذاری کردند که محرکی هنوز برای سرمایه‌گذاری ارائه نشده بود.

کنسرسيوم سينکروید دومین طرح بزرگ کانادا در ارتباط با ماسه‌های نفتی بود. در ابتدا این طرح با مشارکت خاص 4 شرکت بزرگ آمریکایی شروع به فعالیت کرد. با شروع کار، پروژه به مشکلات محتوایی زیادی برخورد کرد بررسی دوباره هزینه‌ها نشان داد که هزینه‌های برآوردی اولیه به جای 500 میلیون دلار اولیه، 2 میلیارد و 300 میلیون دلار است. با این اوصاف یکی از 4 شرکت بزرگ از ادامه کار انصراف داد. سه شرکت بعدی به دنبال تمهیداتی بودند تا پروژه ادامه یابد چرا که در صورت تعطیلی کار سرمایه‌گذاری اولیه از بین می‌رفت. به علت نرخ بازده مورد انتظار پایین پروژه (حدود 9 درصد) پیدا کردن شریک جایگزین کار دشواری بود و این شرکت‌ها خواستار مشارکت دولت در این زمینه شدند. علاوه بر دلایل مالی دلایل سیاسی نیز در این بین مطرح بود با این اوصاف باید گفت در این مورد نیز استفاده از مشوق‌های مالیاتی به عنوان عاملی برای مواجهه با هزینه‌های زیاد اولیه مطرح بوده است. مثال دو پروژه GCOS و سینکروید نشان می‌دهند که شرکت‌های نفتی همواره خواستار مشارکت دولت‌ها بوده‌اند. بحران سینکروید با مشارکت دولت به پایان رسید و دولت متعهد شد تا 30 درصد از سرمایه را تامین و بازار را نیز تضمین کند و سیستم مالیاتی را بر اساس همان سیستم سال 72 ادامه دهد.

2- دهه 80 میلادی

به علت انقلاب اسلامی ایران و جنگ بین ایران و عراق که منجر به کاهش روزانه حدود 2 میلیون بشکه نفت خام شد قیمت نفت از 14 دلار در سال 78 به حدود 35 دلار در سال 81 رسید در این دهه دو اتفاق مهم افتاد یکی طرح ملی انرژی [NEP] و دیگری سخت-

گیری در مورد سرمایه‌گذاران خارجی بود که هر دوی این موارد باعث بی‌انگیزگی سرمایه‌گذاران خارجی شد به طوری که برخی از پروژه‌های مربوطه تعطیل شدند. درگیری های بین دولت محلی و فدرال باعث آسیب توسعه میداین ماسه های نفتی شد. در 28 اکتبر سال 1980 ترادیا نخست وزیر لیبرال طرح ملی انرژی را به عنوان بخشی از بودجه فدرال به تصویب رسانید و باعث تشدید تنش های موجود بین دولت فدرال و محلی شد. در واقع این طرح بدون مشورت با ایالات طراحی شده بود و اعتراض شدید دولت محلی و شرکت های نفتی را در پی داشت. شرکت های نفتی تهدید کردند که دارایی های خود را به آمریکا منتقل می کنند. طرح ملی انرژی سیستم مالیاتی را نیز تحت تاثیر قرار می داد. این کار از طریق تاثیر بر مالیات بر درآمد سوخت و گاز صورت گرفته بود. در این طرح هر چه درصد مالکیت شرکت های کانادایی بالاتر می رفت درصد معافیت ها نیز بالاتر می رفت. این اوضاع برای سرمایه گذاران خارجی به عنوان تهدیدی جدی مطرح شد. آنان ریسک سرمایه گذاری را بالا ارزیابی کرده و در مقابل آن واکنش نشان دادند. در دفاع از شرکت های نفتی، دولت آلبرتا با دولت فدرال به مشکل برخورد کرد و این بحران را بدتر کرد و باعث بی اعتمادی هر چه بیشتر شرکت های خارجی شد. شرکت های نفتی اعلام کردند تا زمانی که این مشکلات حل نشود سرمایه گذاری های خود را به تعویق خواهند انداخت

قانون بازبینی سرمایه گذاری خارجی نیز یکی دیگر از سدهای روبروی سرمایه گذاری خارجی بود که از همان سال های اول با مخالفت سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل روبرو شد. با پیروزی ملی گرا ها در انتخابات سال 80 زمزمه هایی در مورد تجدید نظر و سخت گیری های بیشتر، در مورد قانون مزبور شکل گرفت که تاثیر منفی بر روی نگرش سرمایه گذاران داشت. با بردن انتخابات 84 توسط محافظه کاران تعدیلاتی در قانون مزبور انجام شد. هدف از این تغییرات جلب سرمایه گذاران خارجی بود. این مباحث روی هم رفته سرمایه گذاری در کانادا در دهه را 80 کاهش داد. به این معنا که شرکت ها ریسک سرمایه-

گذاری در کانادا را زیاد ارزیابی کرده و از مشارکت در پروژه‌های کانادایی امتناع کردند. هر چند در این دوره برخی محرک‌های مالیاتی نیز حذف شدند ولی با این وجود دلیل اصلی کم شدن سرمایه‌های خارجی در کانادا را می‌توان عدم ثبات سیاسی دولت کانادا و ریسک سیاسی بالای این کشور دانست.

3- دهه 90 میلادی

شرایط بین‌المللی موجود در دهه 90 توسعه ماسه‌های نفتی را سرعت بخشید افزایش بهای نفت به علت جنگ خلیج باعث شد تا سرمایه‌گذاران به کانادا به عنوان محلی امن و سود آور نگاه کنند در این دهه رویکرد دولت به سرمایه‌گذاری خارجی عوض شده و در سایه ثبات سیاسی ایجاد شده به علت اتحاد دولت محلی و فدرال، سرمایه‌های خارجی به این کشور بازگشتند. به طور کلی جو سرمایه‌گذاری در دهه 90 در کانادا بهبود یافت حذف طرح ملی انرژی در اواخر دهه 80 رابطه دولت‌ها را بهبود بخشید. به منظور تسریع در توسعه ماسه‌های نفتی دولت آلبرتا هیاتی را مسئول رسیدگی به امور مربوط به ماسه‌های نفتی کرد که همه طرف‌های درگیر در آن نمایندگانی داشتند. استراتژی 25 ساله ای طراحی و از سال 95 به کار گرفته شد. بر اساس آن قرار است تا سال 2020 تولید نفت به عددی بین 800 هزار تا 1 میلیون و 200 هزار بشکه در روز برسد. در سال 97 سرمایه‌گذاری در ماسه‌های نفتی به میزان چشمگیری افزایش یافت و بین سالهای 96 تا 2004 مزاد بر 35 میلیارد دلار در آمد نصیب کانادا شد.[5]

کمیت رسیدگی منصوب شده معتقد بود (است) توسعه ماسه‌های نفتی در کانادا تنها به علت مشوق‌های مالیاتی نبوده است. آن‌ها اعلام کردند وجود تنها یک اهرم برای توسعه این میادین کافی نیست بلکه بایستی تمامی اهرم‌ها با هم و در کنار هم به کار گرفته شوند. آن‌ها 8 عامل مؤثر در توسعه میادین نفتی را تکنولوژی و علم، ساختار سرمایه، سازوکارهای فیزیکی، مسایل محیطی، بازاریابی، توزیع، چارچوب قانونی و ذینفعان بیان کرده و ادعا کردند تلفیق صحیح این اهرم‌ها که مشوق‌های مالیاتی هم یکی از آن‌ها است می‌تواند باعث موفقیت در جلب سرمایه‌های خارجی و ادامه همکاری با سرمایه‌گذاران شود.[5]

تجربه کانادا نشان می‌دهد در وهله اول سرمایه‌گذاری خارجی به اعتماد بر دولت سرمایه-پذیر بستگی دارد و در کنار آن باید به عوامل دیگر نیز توجه شود. مذاکرات مداوم بین تولیدکنندگان نفت در مورد مشوق‌های مالیاتی و دولت نشان می‌دهد مزایای مالیاتی تنها در محاسبه شانس‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری مورد توجه است و از آن به عنوان جبرانی برای هزینه‌های بالای اولیه کار یا زیان‌ها و ریسک‌های عملیاتی استفاده می‌شود. هرچند دولت کانادا محرک‌های مالیاتی بسیار سخاوتمندانه‌ای را در مورد ماسه‌های نفتی ارائه کرده بود ولی این محرک‌ها عامل اصلی موفقیت نبودند. تغییر در رویکرد دولت نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی در دهه 90 دلیل اصلی بازگشت سرمایه‌ها به کشور کانادا شد و درامدی معادل 35 میلیارد دلار را برای آن‌ها به ارمغان آورد.

خلاصه و نتیجه‌گیری نهایی

افزایش رقابت بین کشورهای سرمایه‌پذیر در صنایع نفت و گاز باعث شده که کشورها برای جذب سرمایه‌های خارجی به روشهای جالب و متنوعی روی بیاورند. هرچند در این باره محرک‌های مالیاتی همواره مطرح بوده‌اند و از آن‌ها به عنوان یکی از روش‌های مفید در جذب سرمایه‌های خارجی نام برده شده است، اما شواهد قطعی که نشان دهد محرک‌های مالیاتی در افزایش سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر هستند وجود ندارد. با بررسی محرک‌های مالیاتی اعطایی، شرایط سیاسی و سطوح سرمایه‌گذاری خارجی در دهه‌های 70، 80 و 90 میلادی باید گفت محرک‌های مالیاتی فی‌نفسه نمی‌توانند به عنوان عاملی با اهمیت در جذب سرمایه‌های خارجی مطرح شوند. قیمت نفت و میزان ذخایر یک کشور عوامل مؤثری در جذب سرمایه‌های خارجی هستند. که البته هیچ‌یک در اختیار و کنترل دولت سرمایه‌پذیر نیستند. در مورد پروژه‌های ماسه‌های نفتی کانادا، این مطالعه نشان داد کانادا با ثبات قانونی و سیاسی خود بدون توجه به محرک‌های مالیاتی ارائه شده، محل مناسبی برای سرمایه‌گذاران خارجی بوده است. در این مورد چندین نکته ظریف وجود دارد که نیازمند دقت و توجه زیادی است:

الف) پروژه های نفتی اولیه GCOS و سینکروید نشان می دهد که سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در کانادا علاقه مند هستند و سود مناسبی در ذخیره های نفتی کانادا می بینند. آن ها محرک های مالیاتی را به عنوان جبرانی برای هزینه های عملیاتی اضافی و نه عامل اصلی سرمایه گذاری در کانادای دانند.

ب) فقدان سرمایه گذاری خارجی در دهه 80 در کانادا به دلیل عدم ثبات سیاسی این کشور در این دهه است. معرفی قانون NEP رابطه دولت محلی و فدرال را تخریب کرد شرکت های سرمایه گذار این سیستم را سیستمی دارای ریسک سیاسی بالا تلقی کردند و قانون NEP پیام خطری در مورد ریسک ملی گرایی ارائه کرد. نتیجه این فرایندها رها کردن دو پروژه نفتی مهم کانادا در این دهه توسط سرمایه گذاران بود. این دو پروژه روی هم رفته یک پنجم نیاز نفتی کانادا را برطرف می کردند.

ج) با تقویت رابطه بین دولت ملی و محلی کانادا با شرکت های نفتی به واسطه قانون NTF در دهه 90 سرمایه گذاری خارجی در کانادا دوباره رونق یافت. این قانون 8 سطح از توسعه را برای صنعت ماسه های نفتی در کانادا مشخص کرد. بر اساس این قانون محرک های مالیاتی تنها عامل حمایت کننده از توسعه ماسه های نفتی نیستند بلکه تمام 8 عامل مطرح شده شامل تکنولوژی و علم، ساختار سرمایه، رژیم های فیزیکی، مسایل محیطی، بازاریابی، توزیع و چارچوب قانونی و ذینفعان به طور مساوی در این باره اهمیت دارند.

منابع

1. Aharoni Yair, (1966), **The Foreign Investment Decision Process**, Boston: Division of Research, Graduate School of Business Administration, Harvard University.
2. Berni K. Moestafa, R. I. Judiciary, (2002), "Worse Than

First Thought: UN Rapporteur", **The Jakarta Post**, online:
The Jakarta Post
<http://www.thejakartapost.com/news/2002/07/22/ri-judiciary-worse-firstthought-un-rapporteur.html>>.

3. Broadman Harry G., (1985), **Incentives and Constraints on Exploratory Drilling for Petroleum in Developing Countries**, 10 Ann Rev Energy 217 at 225
4. Canadian Association of Petroleum Producer, **Alberta's Oil and Natural Gas Industry Contributing to a Strong Provincial Economy**, online: Canadian Association of Petroleum Producer <<http://www.capp.ca>>.
5. Canada's Environmental Community, (2005), **Managing Oil Sands Development for the Long Term: A Declaration by Canada's Environmental Community**, online: The Pembina Institute <<http://www.pembina.org>>.
6. Commissioner of the Environment and Sustainable Development, (2000), **Report of the Commissioner of the Environment and Sustainable Development**, online: Office of the Auditor General of Canada <<http://www.oag-bvg.gc.ca>>.
7. Folsom Ralph H, Michael Wallace Gordon & John A

- Spagnole, (2001), **International Business Transactions**, 2d ed. (St Paul: West Group, at 756.)
8. Helliwell John F, et.al, (1988), **Oil and Gas Taxation**, Vol. 26, Osgoode Hall LJ 453 at 455.
 9. Hill Mark Thomas, (2003), **The British North Sea: The Importance of and Factors Affecting Tax Revenue from Oil Production?** ,Master of Arts Thesis, Brigham Young University, online: <contentdm.lib.byu.edu/ETD/image/etd336.pdf>.
 10. Barbara Jenkins, (1986), **Reexamining the Obsolescing Bargain: A Study of Canada's National Energy Program**, 40 International Organization 139 at 163.
 11. Johnston Daniel, (1994), **International Petroleum Fiscal Systems And Production Sharing Contracts**, Tulsa: PennWell, at 25.
 12. Kaiser Mark J & Allan G Pulsipher, (2007), **A Review of the Oil and Gas Sector in Kazakhstan**, Vol. 35 Energy Policy 1300.
 13. Ketchum Ken ,Robert Lavigne, & Reg Plummer, (2001), **Oil Sands Tax Expenditures**, Department of Finance Canada, Ottawa: Department of Finance Working Paper, online: <<http://dsppsd.pwgsc.gc.ca/Collection/F21-8->

2001-17E.pdf>.

14. Minto.S et al, (2000), Government Support for Energy Investments, Report of the Commissioner of the Environment and Sustainable Development, online: Office of the Auditor General of Canada <<http://www.oag-bvg.gc.ca>>.
15. Morisset Jacques P & Nede Pirnia, (2000), "How Tax Policy and Incentives Affect Foreign Direct Investment: A Review", **World Bank Policy Research Working Paper**, no. WPS 2509. online: <http://econ.worldbank.org/external/default/main?pagePK=64165259&theSitePK=469382&piPK=64165421&menuPK=64166093&entityID=000094946_01010905342188>
16. Nam Chang Woon & Doina Maria Radulescu, (2004), "Do Corporate Tax Concessions Really Matter for the Success of Free Economic Zones?", **37th Economics of Planning** 9.
17. Natural Resources Canada, **Significant Canadian Facts**, online: Natural Resources Canada <<http://atlas.nrcan.gc.ca>>.
18. Natural Resources Canada, **Mining-Specific Tax**

Provisions, online: <<http://www.nrcan.gc.ca>>.

19. Nov Avi, (2006), **The Bidding War to Attract Foreign Direct Investment: The Need for a Global Solution**, 25 Va Tax Rev 835.
20. Organization of the Petroleum Exporting Countries, (2010), **World Oil Outlook** Vienna: OPEC Secretariat, online: Organization of the Petroleum Exporting Countries <http://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/publications/WOO_2010.pdf > at 63.
21. Organization of the Petroleum Exporting Countries, **The oil industry**, online: <http://www.opec.org/opec_web/en/press_room/179.htm>.
22. Phina Anaghara O, (2004), **Are There Economic Limits to Efficient Taxation in Mineral and Petroleum Fiscal Regimes?** 8 Dundee Yearbook of International Natural Resources & Energy Law & Policy (Dundee, Scotland: University of Dundee, Centre for Energy, Petroleum and Mineral Law and Policy, online: <http://www.dundee.ac.uk/cepmlp/car/html/car8_article16.pdf>.
23. Sanderman Sian & Heather Self, (2001), **Keeping the UK**

- competitive** 12 International Tax Review 66.
24. Shim Jae K & Joel G Siegel, (2001), **Dictionary of International Investment Terms** (New York: Barron's Educational Series, Inc., at 242 & 279.
25. Smith James K, (1998-1999), **Use of Business Tax Incentives:** Part 1, 17 J St Tax'n 1 at 3.
26. Vaghefi Mohammad Reza, Steven K Paulson, & William H Tomlinson, (1991) **International Business: Theory and Practice**, New York: Taylor & Francis, at 320.
27. Wells Louis T, J. r et al, (2001), **Using Tax Incentives to Complete for Foreign Investment: Are They Worth the Costs?** Washington, DC: The International Finance Corporation and The World Bank,
28. Williams & Meyers, (1981), **Manual of Oil and Gas Terms**, 5h ed. San Francisco: Matthew Bender.

پښتانه ښوونځي
پښتانه ښوونځي
پښتانه ښوونځي

The Effectiveness of Tax Incentives in attracting foreign Investment – Deliberating the Canadian Experience

abstract

foreign investor with their great financial and technological strength have very important effects on improvement of industries in investee countries. Today's competition between investee in attracting foreign investment caused proposal of many incentives to foreign investor by them. One of these incentives is tax incentives. Canada started oil extraction from their oil sands about 40 years ago. Oil production from oil sands is very hard and expensive process which need a very high technology. So in the early years of production (70 decade) this country needs aid of foreign investor to start and improve their project. For stimulating investor to invest in high-risk oil sands projects, Canada offer them several tax incentives. In this article we investigated Canada experiences in developing oil sand project during 70 till 90 decades and tried to identify effectiveness of this tax incentive plan in attracting foreign investment.

This thesis concludes that tax incentives have been largely insignificant in attracting foreign investors to the development of the Canadian oil sands. Tax incentives occurred as compensation to offset the extra cost involved in commencing oil sands projects. So it is just effective in continuation of oil sand contract not in decide about commencing the investment. For investing in a foreign countries factors such as legal certainty, political risk seems to be more important.

Key words

foreign investment, tax incentives, oil sand, Canada